آذر

دارنده امتیاز و مدیر مسئول
ج. پیشه وری

آذر روزهای یکشنبه - سه‌شنبه - پنجشنبه منتشر میشود
این روزنامه عضو جبهه آزادی است

« بهای اشتراک »

سالیانه ۲۵۰ ریال
ششماهه ۱۴۰ «
برای کارگران و کشاورزان و محصلین و کارمندان جزء دوائر صدی بیست تخفیف منظور میگردد

بهای آگهیها بادفتر اداره است

محل اداره :
(خیابان لاله‌زار - پاساژ بهار)

جنازه شاه سابق را میخواهند چه کنند ؟

خبر انتقال جنازه شاه سابق در محافل دمکراسی و آزادیخواهان نگرانی شدیدی تولید کرده است .

طرفداران این کار و یا کار مرتجعانه قلطی میدانند که بواسطه دست پروردگان او بعمل میاید .

دستهای جنایتکار با آوردن جسد شاه سابق بایك تیردو نشان میزنند اولا میخواهند بفهمانند که اولاً در ایران طرفدارانی داشته ملت ایران خودرا مستوجب جنایات و تعدیات او دانسته و میخواهند همیشه تحت رژیمی که او بیادگار گذاشته است زندگی بکنند ثانیا مردم را نسبت به خانواده او مخصوصا بشاه بدبین و ظنین کرده بآنها بفهمانند که شاه بفرد خودرا بیشتر از ملت دوست میدارد . از جنایات و خرابکاری های او بدش نمیاید .

یعنی احساسات ملت و آزادی مردم را برای خاطر او زیر پا میگذارد

این یك نقشه و دام خیطت آمیزی است که بعقیده ماشاه و طرفداران او باید هرچه زودتر خودرا از اطراف آن کنار بکشند .

مکرر گفته‌ایم مافرزندان را مسئول جنایات پدر نمیدانیم از این جهت تا از باز ماندگان شاه سابق خلاف وتعدی مشاهده نشده است سعی کرده‌ایم در نوشته های خود کوچکترین کنایه و اشاره ای در شخصیت آنها بکار نبریم ولی آوردن جسد شاه سابق جنبه عمومی دارد .

اشخاص مرموزی میخواهند از مقام اعلیحضرت استفاده کرده این کارزشت راعملی بکنند و بگویند چون شاه سابق پدر شاه حالیه است ملت ایران باید کینه وبغض وتنفررا که از کارهای او داشتند فراموش نموده جسد اورا در آغوش خود جای دهند

مردم ایران شاه حالیه را میخواهند وارث جنایات شاه سابق بدانند آرزو دارند مابین ایران و آن هیچگونه رابطه وعلاقه نباشد .

این راهی که میخواهند زیر پای اعلیحضرت بگذارند راه خطرناکی است هرچه زودتر باید شاه عدم تمایل خودرا نشان بدهد

شاه سابق را علاوه بر اخلاق غیرعادی خصوصی خود اطرافیانش بعون گذارده بودند . سلاطین بایدسعی بکنند مستقیما بامردم تماس داشته طبق آرزوی آنها رفتار نمایند

مجسمه‌های شاه سابق مانند تیری هستند که بچشم ستمدیدگان دوره دیکتاتوری فرورفته مردم را نسبت به سلطنت بدبین میکنند

حتی بود اعلیحضرت فورا امر می کردند آنرا از جلو چشم مردم بردارند تاگذشته فراموش بشود .

جسد شاه سابق غیر از ایجاد تنفر ودشمنی وتولید کینه و بغض چه حاصلی دارد ؟

این لج بازی‌ها وسماجتها در قلوب مردم عکس العمل شدید تولید میکند و بدست مخالفین بهانه میدهد .

اگر اصرار و سماجتی در آن کار بشود احتمال ورود میان مردم هیجان اعتراض آمیز شدیدی تولید کرده . شاید کار مناقشات و مخاصمات هم بکشد

تازه این چه کاری است .

بالاخره برای مرده هم جا یکسان است برای زنده هاهم که جسد یك شاه بیدادگر یك دیکتاتور جنایتکار افتخاری ندارد .

یعنی احساسات ملت و آزادی مردم را برای خاطر او زیر پا میگذارد

این یك نقشه و دام خیطت آمیزی است که بعقیده ماشاه و طرفداران او باید هرچه زودتر خودرا از اطراف آن کنار بکشند .

مکرر گفته‌ایم مافرزندان را مسئول جنایات پدر نمیدانیم از این جهت تا از باز ماندگان شاه سابق خلاف وتعدی مشاهده نشده است سعی کرده‌ایم در نوشته های خود کوچکترین کنایه و اشاره ای در شخصیت آنها بکار نبریم ولی آوردن جسد شاه سابق جنبه عمومی دارد .

اشخاص مرموزی میخواهند از مقام اعلیحضرت استفاده کرده این کارزشت راعملی بکنند و بگویند چون شاه سابق پدر شاه حالیه است ملت ایران باید کینه وبغض وتنفررا که از کارهای او داشتند فراموش نموده جسد اورا در آغوش خود جای دهند

مردم ایران شاه حالیه را میخواهند وارث جنایات شاه سابق بدانند آرزو دارند مابین ایران و آن هیچگونه رابطه وعلاقه نباشد .

این راهی که میخواهند زیر پای اعلیحضرت بگذارند راه خطرناکی است هرچه زودتر باید شاه عدم تمایل خودرا نشان بدهد

شاه سابق را علاوه بر اخلاق غیرعادی خصوصی خود اطرافیانش بعون گذارده بودند . سلاطین بایدسعی بکنند مستقیما بامردم تماس داشته طبق آرزوی آنها رفتار نمایند

مجسمه‌های شاه سابق مانند تیری هستند که بچشم ستمدیدگان دوره دیکتاتوری فرورفته مردم را نسبت به سلطنت بدبین میکنند

جلسه مجلس شلوغ بود

پس از اظهار موافقت آمیز آقای نقیب الاسلامی که در خصوص خرابی جنس مرغ ولزوم اصلاح آن بیان کردند آقای دکتر مصدق در مخالفت کابینه اظهار نظری ایراد واز آنجائی که مریض بوده روزه نداشتند آب خواستند سید ضیاء الدین که همیشه بی تظاهر بود اعتراض کرده گفت در ممالك اسلامی ماه رمضان آب نمی شود خورد آقای دکتر مصدق جواب داد که من همه میدانند مسلمانم و بدین اسلامی علاقمند هستم ولی بیست سال است که مریض میباشم و مانند سایرین برای تظاهر روزه نمیگیرم ودروغ هم نمی گویم دوائی بیانات دکتر هلمه شدیدی برعلیه سید ضیاء الدین شروع شد تماشاچیان و نمایندگان برای دکتر مصدق دست میزدند واظهار خوشوقتی میکردند بالاخره میان صدا های مرده باد سید ضیاء الدین مرده باد خیان جلسه از رسمیت افتاد .

چگونه باید سخنرانی کرد

حمله شدید ویکتور هوگو

در موقعی که در تحت نفوذ فرقه کاتولیك یك لایحه قانونی بمجلس پیشنهاد شده بود که بصورت ظاهر آزادی تعلیم و تعلم را مقرر میداشت اما در باطن عملش را منحصر بانجمن‌های دینی کاتولیك می ساخت ویکتور هوگو بمخالفت بر خاست و این گفتار را ادا کرد که ما برای سرمشق در اینجا نقل می کنیم

سروران ، وقتی که گفتگو از امری بمیان می آید که در سرنوشت کشور مهم ترین مسائل مرتبط است باید فورا و بدون تردید بکنه مطلب فرو رفت و من در این هنگام نخست میگویم که چه چیز را میخواهم سپس بیان خواهم کرد که چه چیز را نمیخواهم

در هر امری که کل مطلوبی هست و بعقیده من در امر تعلیم کمال مطلوب این است که مجانی و اجباری باشد اجباری در درجه ابتدائی ومجانی در همه درجات تعلیم مجانی و اجباری حق کودك است واشتباه نباید کرد که این حق بسی مقدس تر از حق پدر است که باحق دولت هم آنرا خلط می کنند

. . . . . .

این قانون را که برای ما آورده اند نمی‌خواهم . چرا ؟ بجهت اینکه قانون حربه و آلت است و آلت وحربه بخودی خود کاری نمی کند و تاثیرش بدستی است که آنرا بکار بیندازد وجان کلام همه اینجاست که این آلت به دست چه اشخاصی بکار میافتد

سروران ، متوجه باشید که این حربه بدست فرقه کاتولیك میافتد ومن از آن دست میترسم ومیخواهم این حربه شکسته شود پس این لایحه را رد میکنم

. . . . . .

ای سروران ، این قانون قانون سیاسو

باقی در صفحه ۴

درباره اقدامات کمیته

نجات ملی اهستان

خبرگزاری کمیته نجات ملی اهستان (پل پرس) اطلاعاتی در بارهٔ اقدامات کمیته مزبور در اختیار ما گذاشته که خلاصه ای از آنرا برای روشن شدن اذهان خوانندگان در اینجا نقل میکنیم .

اولین اقدامی که کمیته مزبور در نواحی آزاد شده اهستان بعمل آورد انحلال پلیس بود که آلمانها تشکیل داده بودند . بجای پلیس مزبور پلیس ملی تشکیل شده است و در تمام شهر های ناحیهٔ آزاد شده اولیهن مشغول بکار گشته است در ضمن حکم صادر گشته است که تمام اموال متعلق بآلمان وعناصری که باتهام خیانت وبا کمك بدشمن توقیف شده و یا خیانتی بسوءات اهستان و بامردم محلی وارد آورده‌اند باید ضبط گردد .

شعبات دیگر کمیته نجات ملی نیز از قبیل شعبه کار و بیمه ورفاه اجتماعی و بهداشت و اتحادیه های صنفی شروع بکار کرده‌اند . وشعبه امور عمومی شروع به تهیه صورت های اسامی مشمولین کرده است .

شهردار جدید اولین مصاحبه ای باشماره پل پرس بعمل آورده و اظهار داشته است که فرار آلمانها بفوری شتاب

باقی در صفحه ۴

استخدام قابل استفاده کارشناسان شوروی

در وزارت کشاورزی

وزارت کشاورزی برای دفع آفات دوائر از اتباع اتحاد جماهیر شوروی را استخدام کرده است . در این قبیل کار های فنی کارشناسان شوروی از تمام ملل دیگر برای ماعقیده تر است مخصوصا در کار دفع آفات بمناسبت هجو اوری با خاك شوروی که دولت سرحدات ما را تشکیل میدهد دول شوروی علاقه خاصی دارند و می خواهند حشرات موذی از خاك ایران بخاك شوروی سرایت نکند . .

و همیشه درمبارزه بامالخ و موش صحرائی وغیره مابین دوائر کشاورزی ایران و شوروی ارتباط نزدیکی بوده است علاوه خواهیم دید که کارشناسان شوروی در این کار بدون تظاهر و خود نمائی منافع بزرگی بکشاورزی ایران خواهند رسانید .

وانگهی نباید فراموش کرد که جنوب خاك شوروی و همچنین آسیای وسطی از حیث آب وهوا و محصول فلاحتی عینا مثل خاك سرزمین ما است . دولت شوروی برای عمران و آبادی این قسمتها قدمهای بسیار بزرگی برداشته و کارشناسان آنجا تجربیات وسیعی اندوخته اند .

ما درصورت همکاری نزدیك وحسن تفاهم میتوانیم از تجربه و معلومات و اصول کارهای علمی و علمی آنها استفاده های بزرگی بکنیم

موضوع آبیاری صحرای ترکستان و مغان که یکی از انبارهای بزرگ پنبه دنیارا تشکیل می دهند برای ما بسیار جالب توجه است .

ماباید خیلی چیزها را از آنها یاد بگیریم .

امروز باکاشت جو وگندم تنها یك ملت نمیتواند تمام احتیاجات خود را تامین بکند تازه این قبیل محصولات بازار ندارد . کشاورزی باید بالاخره صنعتی بشود مواد خام از قبیل پنبه و ابریشم و پشم و توتون سیگار چائی و هزاران چیز های دیگر است که مال التجاره و صادرات ما را باید تشکیل بدهد .

کشاورزان شوروی در این زمینه بیست رهلت سال است دارند از روی نقشه علمی صحیحی کار میکنند وماناچاریم از آنها تقلید بکنیم باکارشناسان آنها تشریك مساعی نمائیم .

این برای ما بسیار ارزان تمام خواهد شد . برای اینکه کارشناسان شوروی مردمان ساده وقانع درسنگلاخی هستند وانگهی توسعه فن و هنر وپیشه رابرای خود هدف و آرمان قرار داده‌اند این خیلی اهمیت دارد .

شهردار تهران

مستوجب شلاق است

حق نمکنی و مظالم کشی ،

از قرار معلوم شهردار تهران برای بهبودن جمعیت رفته گران نقشه شوم خود را دارد عملی میکند در سورتیکه چند روز پیش قول داده بود تمام تقاضا های آنهارا عملی نموده اختصاصی را که در اعتصاب شرکت کرده بودند مورد تعرض قرار ندهد .

ولی امروزها میگویند دستور داده است از رفته گران واز سران اتحادیه آنها با قید قسم قرآن تعهد بگیرند از عضویت وکارمندی اتحادیه کناره بگشند در صورت عدم قبول آنها را از کار اخراج میکنند در اثر این دستور دژخیمانه عده از رفته گران بیچاره را بیرون کرده اند

هنگامه غریبی است هر آس دستش بکاری بند میشود خودرا مالك الرقاب مردم میداند . گورنر گنرین دیکتاتور های دنیا آتش بگیرد . حالا که دیگر وقت این کارها نیست !

این‌ها خیال میکنند برای آقائی و پایمال کردن حقوق بیچاره گان زائیده شده اند . کارگر حق زندگی ندارد . باندازه حیوانات کار کن هم نباید در فکر تهیه آذوقه او بود

دست پرورد گان مکتب رضاخان از جان مردم چه میخواهند ؟ بالاخره جلو گیری از آزادی اجتماعات در مملکت مشروطه جرم است .

انبواج که سهل است حتی مجلس شورای ملی هم نمی تواند مردم را از حق اجتماع محروم بکند این حقی است که برای گرفتن آن ملت ایران خون ریخته جانبازی کرده است . این یکی از پایه‌های اساسی مشروطیت است

اگر اینها هوا و مختاری چندسالی از پیش آمدها استفاده کرده آن را پایمال نموده باشند مربوط بحساب نیست

باقی در صفحه ۴

از روزنامه‌های شهرستانها

حروف مطبعه

یکی ازمن پرسید حروف مطبعه از چیست ؟

گفتم از سرب .

گفت آیا باهمین سرب است که مردم دردهای خود را میخواهند باولیای امور بفهمانند ؟

گفتم : بلی اشکال مختلف الفبارا از سرب میریزند و حروفچینها مطالبرا باآن میچینند در روزنامه چاپ میکنند

گفت چرا بمغز وقلب آنها فرو نمیرود ؟

گفتم : برای اینکه بد استعمال میکنند .

گفت طرز استعمال بهتری چه‌جور است ؟

گفتم : بعقیده من باید آنهارا دوباره در کوره آب کرده بوزن در مثقال توی قالبها ریخت و بوسیله تفنك (حس موس) باقدری باروت از فاصله بیست قدم بسمت زمامداران خائنی (که حرف بنزن و قلبشان فرو نمیرود) آتش کرد حتما نتیجه مطلوبه حاصل خواهد شد

رشت روزنامه البرز شماره ۷۵ و ۳۱۷

تصحیح

درشماره ۱۸۹ آذر ضمن اخبار خارجه بجای امضای قرارداد شوروی وروماني شوروی وبلغارستان چاپ شده بدینوسیله تصحیح میشود .

www.iran-archive.com

روزنامه ها به نمایندگان درس میدهند

از مناظر دوره اول مجلس شورای ملی

. . . . پس از تمهید این مقدمه عالمی رویم بر سر مذاکرات مجلس چهارم شهر ذی الحجه .

جناب مستطاب آقای حاجی شیخ علی سلمه الله تعالی فرموده اند از مقاوله و نزع باید تقلید کرده از تاریخه . چون رفت بعضی ملاحظات نیست پس از رعایت احترام شخص عالی جناب مستطاب معظم دامت افاضاته عرض میکند توهم بوده که در پارلمان کسی این قسم مباحثه نماید مگر خارجه از روی عقل و تجربه چند ماله این ترتیب سودا اختیار نکرده ؟ گفته اند از این مطلب ان کمتک نزع وجود مجلس شورای ملی است که همان پارلمان خارجه باشد بعد از آنکه حاصل را تقلید خارجه اختیار کرده اند در تاریخ چهار ما داریم در دورنیکه مانند سازی از مردمها بوده اند مجلس ملی مرجع معنی دارد حالا که ما تقلید دیگران را مجلس کردیم خوبست در ترتیب آنهم تقلید نمائیم که ناشرع و عقل هم می سازد بسها اگر عضی روز کرد و اجراء کرد اختیارات اختیار معظم و کلاء دائم عطالا را بهتر از این حقوق و ترتیب میباید بسها چهار ماله است اختیارات و عقل بر اختیار میشود و هر روز اسباب اختیار و تجربه فراهم میشود .

دیگر فرموده در بعضا ماله و نشه شده (وسطا میتوانند اختیار نمائی تعلق کرده بروند در مجلس تعلق حر کو . واقعا میتوانند اختیار را میرسند ه اختیار را) ولی بگمان ما معنی مباحث اینست حقه و کلا حق ندارند از رئیس اجازه تعلق گرفته بروند تعلق کنند و اینکه در زمان مجلس تعلق معنی نه کرده بروند یا نروند .

غریب است که تعلق باید در محل معین باشد و در آن واحد یکنفر حرف زند و حرفها در موضوع واحد معین باشد و بعد از آنکه همه تحقیقات خودرا کرده برای گرفته شود و نتیجه بدست آید و فوراید این ترتیب بسیار است وقفه برای آن نیست که روزنامه نویس ها نتوانند مطالب را ضبط کنند ان بعلی از آن راه بعمی باشد و مطالب مهم و غیر مهم هم تفاوت ندارد همه یکسان اند کمتک خود و میگویند این قسم مذاکره اسباب معطلی و طول کلام میشود میخواهیم بدانیم آیا در یکروز یکمطلب را درست مذاکره نمائید و نتیجه بگیرند بهتر است یا آنکه پنج مطلب مذاکره شود و نتیجه هیچکدام معلوم و معلوم نگردد

اما این که گفته بودند دو بحث و سؤال و جواب را نمی توان در محل معین کرد یا نوشت در جواب عرض میکنیم وقتی که ترتیب مذکور در فوق معمول باشد دو بحثی در میان میاید این که فرموده بودند هر آن نمیشود رفت در در محل معین دو کلمه حرف زد و برگشت راست است اگر حرف واقعا دو کلمه باشد لازم نیست گوینده از جای خود برخیزد در همانجا که نشسته میگوید و عیبی هم ندارد و اگر زیادتر از دو کلمه است چه ضرور دارد که شخص برخاسته برود و بگوید و بر گردد

بلی یک چیز هست و آن اینست که وضع نشستن ما روی زمین بطور دوزانو

نامه یک نفر کارمند

بانجمن کارمندان بانکملی ایران

پس از تقدیم احترام دیرزمانی است که این جانب (ک) و جمعی از همکارانم لزوم ایجاد انجمنی را که عهده دار حسن روابط صمیمانه بین کارمندان بانک ملی ایران گردد احساس نموده و برای آن انجام چنین امری را همواره مترصد و بالکه آرزومند بودیم اما از آنجائی که ما را روحا اتفاق و ملاء اعتماد بنفس تربیت نموده اند در پیرامون این فکر اقدامی بعمل نمی آمد . اینک جای سی خشنودی است که جمعی از کارمندان آزاده وطنه فکر در این راه پیشقدم گردیده اند دارای این عقیده بودم صورت نشستن و آزوی کمال ایمان تشکیل این انجمن ضروری که ممکن است در آتیه زندگی معرف لیاقت و رشد اجتماعی ما واقع گردد مدرت نموده اند این جانب حسن ابراز تفکر و میاسگذاری از آن هیئت محترم که موسس اولیه انجمن می باشند بوسیله نقاضای عضویت خود را تقدیم و موفقیت انجمن را در انجام خدمت مقدسی که عهده دار گردیده مسئلت نموده استقبال جمعی و سرمشق سایر کارمندان را از این اقدام سودمند خواهان است تنها در چه اعتراض دارد که آن هیئت محترم بما صدور قرارنامه کارت عضویت مرتشکرت قلبیه بفرستند .

باغ ملی ۲ دسامبر ۱۳۲۴ ک .

دراطراف برنامه دولت

در کابینه اولی که آقای ساعد بمجلس شورایملی معرفی کردند بنده و رفقایم جزء مخالفین دولت آقای ساعد بودیم آنروز ما از روی پیش بینی میدانستیم که ایشان و دولتی که ایشان معرفی کرده اند توانائی انجام کارهای مهمی را که در مملکت وجود دارد ندارند

اما امروز روی پنج ماه عمر دولت ایران که بدست کابینه آقای ساعد تلف شد قضاوت میکنیم امروز بعقیده من آقای ساعد باید جواب دهنده پنج ماه طبیعتا نشان باشند مطابق معمول آقای ساعد عمل تمام کابینه هائیکه سر کار آمده بر نامه بسیار مشمشع با کلمات بزرگ بمجلس شورای ملی تقدیم کردند اما من امروز همان گفته پنج ماه پیش را تکرار میکنم وقتی در مملکتی رژیم تغییر کرد وقتی که اصول دیکتاتوری را یک مملکتی خواست کنار بگذارد و اصول دمکراسی را بر قرار کند باید باز بکنان دوره دیکتاتوری از کار بر کنار بشوند (صحیح است) وشما در تمام مدت پنج ماهی که حکومت ایران را در دست داشتید بازهم از بکنان را از کارنگذاشتید (مظفر زاده — دعوت کردند) من درمخالفت هایم تند گردادم که شما در پروگرام تان از آزادی اسم نبردید و مراعات شما را کردم و گفتم امیدوارم فراموش کرده باشید ولی اعمال شما در این پنج ماه آقای ساعد نشان داد که شما از مخالفین جدی دمکراسی و آزادی هستید

اینجا آقای دکتر سامور شدن ونطق خودرا تکرار کرده گفتند این قبیل اعمال دیگر شما نشان داد که شما با تمی توانید با تمی خواهید به آزادی ملت ایران احترام بگذارید وهمانطوریکه عرض کردم امروز اعمال گذشته شما باید قضاوت بشود و نمایندگان مجلس شورایملی که در مقابل ملت ایران مسئولیت دارند اگرحس ایران را دوست داشتید بازهم برای ملت ایران کاری انجام نداده اید بشما زمی اعتماد نمدهند و الا در پیشگاه ملت ایران ودرمقابل تاریخ آینده ایران مسئول هستند کار مهمی که شما در کابینه تان انجام دادید پیشی کاریکه میل داشتید و خوشبختانه انجام نشده آوایجی بود که بمجلس شورایملی آوردید وضمن آن لوایح دوتا لایحه بسیارجالب توجه بود یکی تعاملی کردن مدارات ودوایر دولتی و درخواست که شما میخواستید این مختصر آزادی را هم که سالهاست ملت ایران بدست و پا زدن زیر این رژیم بدست آورده بود و هنوز حفظ کرده است آنرا ازش بگیرید یکی دیگر هم لایحه شلاق زدن بزندانیان بود دولتی که نتوانسته زندانیانی را که محبوس او هستند اداره بکند و برای اداره کردن محبوسین احتیاج داشته باشد که آنها را شلاق بزند نه اداره بکند این دولت مظنون میشود دوام وبقای برای اعتماد نیست این لایحه را برای چه آوردید یا آن وزیرانی برای چه آورد ؟ این شلاق را در زمان دیکتاتوری سابق هم میزدند اما یکی دو آنها اینکه برباد میزدند اصول مشروطیت را بباید حفظ کرد یا آنهائیکه می گفتند وبرباد میزدند زنده باد قانون اساسی (کابینه ش — خود شما هم خودتیم . . . . شنده زندانیکان) یعنی برفقای ما که در مجلس رضا خان بودند این شلاق را میزدند آن شلاق را میزدند رمی گفتند این قانون اساسی هم مشروطیت . . . . شما هم میل داشتید مثل رضاخان این کاررا درزمان اجراء بکنید و الا بچه دلیل آنمایه مزد شلاق زدن که انتخاری ندارد

دوازین پنج ماه انجام دزد بزرگ را شما گرفته وحبس کردید ؟ کدام محتکر را بمجلس بردید که بشما اجاره داده شود بلو شلاق بزنید کدام کسی را که با احتکار مواد خواربار و بالا بردن سطح زندگی مردم این مملکت را پایین افتی و گرسنگی اعداحاته که نمایندگانشان مجبور میشوند اینجا برخیزند و پشت این تریبون بخوبند برای ستر عورتشان مردم پارچه ندارند و باین روز سیاه انداختند گرفتید ومحاکمه کردید و بمجلس انداختید

بهرحال کار مثبتی که شما دراین پنج ماه انجام داده اید همین بود که به آقایانه دزد شلاق بزنید اینکه افتخار ندارد شما برای آنچه این کارگرهای بیچاره که الان ده هزار امر ده هزار نفر از اندیشک وسایر جاها بیکار میشوند و بیرون میریزند از کوتاهها چه فکر کرده اید

شهردار شما آقای ساعد . . . خدای واحد را شاهد میگیرم که این عرض که الان میکنم عین واقع وحقیقت است درحضور من و آقای فرود وقیس انجمن شهرداری بکارگری که آنجا کنار دیوار ایستاده بود ومن از آنجا عبور میکردیم گفت تو اینجا چکار میکنی ؟ گفت قربان آمده ام اینجا بشما عرض کنم گفتم که سوگند مفهوم که عین این عبارت را که اینجا تکرار میکنم او گفت قربان آمده ام آنجا بشما عرض کنم که کارگران جزء شهرداری لخته گرسنه اند پشتان ترحم کنید حالا شما میدانید که چه جواب بهش داد ؟ بهش گفت برو گم شو بابد سوخته بر گم شو بدوست این حرفی است که از دهان شهردار شما خارج شد

اگر یک وزیر یک وکیل یک رئیس اداره بیکنفر مستخدم جزئی که باین ترتیب درمقابلش حرف بزند بهش بگویند بدسوخته ، بدسوخته خود اوست وحق ندارد بکسی که اینطور بااادب بهش صحبت می کند توهین کند و ازمقامش سوء استفاده نماید دولت شما لیاقت وعرضه اینکه مدرسه دامنان را از دست سه بیست نفر که آنجارا اشغال کرده بودند پس بگیرد نداشت

شما بعقیده من آقای ساعد کوچکتر از آن هستید که دیکتاتور شوید اگرشما در نظر داشته باشید که بدون اعتنای بملت ایران که نوده درصدهان کرسه ویرهه هستند و کار کرند و کار میکنند بایدبدون توجه و اعتنا بعقیدات آنم حکومت بکنید نتیجه اش این میشود که می بینید برای خاطر اینکه ملاحظه بکنید دلبا و نارنج نبود تاریخ تاریخ کرده است که هیچ فردی یا بایک دسته کوچك اقلیت یک ملتی نمیتوانند حکومت بکنند . درزمان حکومت شما دراراك اغتشاش شدیدکه

باقی درصفحه ۷

دیگر بروبم سرمطلب همینکه ازقزوین حرکت کردیم تاکرج چه پیشوازی وچه دیدبه وچه خطابهائی ما میدیدیم که گویا اینها دامی است میگیرند بازی شب و از کرج بقزوین کرده طرف صبح بتهران حرکت نمودیم سر راه سادور ما نصب کرده بودند ودوشکه سلطنتی و مجلس شورای ملی به پیشواز آمده بودند کثرت اشخاص ما میدیدیم شدن در جادور وطن میبردند قهرمانان ملی را دم بدست از روی اسبها برداشته جادو بردند

خاطرات یکی از مجاهدین قدیم تبریز

ـ ۳ ـ

مذاکرات میگرفته مرا دیوانه میکرد

مستبدان سردار ملی

در زمان سر پیشوازکننده کان باز شد اولین پیشواز چی از نمایندگان آذربایجان عبارت بودند از مرحوم شیخ محمد خیابانی ومیرزا اسمعیل تبریزی و شیخ اسمعیل هشترودی پس از دیدو گفت وشنود فرمودند که چون قشون بیگانه در تبریز هستند اگر بالین تفنگها شما بروید ممانع وراحم شما هستند جواب این تفنگها را جمع کرده توی مغزشها گذارد پس از رد شدن از قزوین بیرون کرد . بمجرد شنیدن این کلام خداوند مرحوم سردار ملی وصلالار ملی سرخ عده فرمودند که ما شما مایوس شدیم ما آزادی را باین تفنگها گرفته ایم وکسی نمیتواند دروطن ما با ما مزاحمت نماید وهیچ انتظار نداشتیم از شما این حرف را بشنویم ما امی که جان داریم کسی جرئت ندارد این تفنگها را ازدست ما بگیرد وما حاضر شده ایم جان نهائی تا قابل خودرا در راه وطن و آزادی نثار کنیم خواهش میکنیم بعد از این از این حرفها نزنید بعد امر بحرکت داده مجاهدین را دو دو خود جمع کرده فرمودند برادران ورفقا وهم مسلکان ونورچشمان من میدانید تا کنون چه راهها طی نموده وچه مراحلها را پیموده اید و باچه مرارت ها توانسته ام به آمال وآرزوی خود که آزادی ملت ووطن ازدست برنجیین و مستبدین بود نایل شده ایم مادامی که جان داریم باید تفنگ مارا نزمین نگذاشته جان بازی کنیم تاجان قابل خودمان را در راه آزادی وطن و ملت فدا نمائیم میدانید در مقابل این همه فداکاری ها مستبدین ومرتجعین چه دسیسه ها وچه دامها در سر راه ما میگیرند وهمیشه در صدد خیانت به ماهستند ولی غافل از اینکه ما ریشه آزادی را در ایران نو داده و روز بروز آنرا تقویت خواهیم داد من بشماها وصیت میکنم اتحاد و اتفاق را ازدست ندهید درمقابل هرپیش آمدی هم راحتم کرده مرا بایستگی نمائید

تاریخ آینده اززحمات شماها نور دانی خواهد بود ومیگفت اسدورزین پیش آمدی رخ بدهد البته پیش از آنکه بدشمن مجال دهید همینکه حس کردید متعرض شما میشوند پیشدستی نموده متعرض آنها بشوید اگرخواستند دست درازی نمایند شما دست درازی نمائید ترس وواهمه بخود راه ندهید

برخورد باسربازان وافسران

تزاری ـ پس از اتمام بیانات سردار ملی امر بحرکت داده شد قشونی که ظاهرا صد نفر ولی معنا توانائی صد هزارنفر داشت بجنبش وحرکت درآمد آن شوق و شعف آنروزی این اردوی کوچك بقلم نمی آید و دست من از وصف وتحریر آن عاجز است که پس ازورود بقزوین بنده وچندنفر ازرفقایم برای اصلاح بدکان سلمانی رفته تفنگها را بدیوارتکیه دادیم مشغول صحبت بودیم که چند نفر ازسربازان وافسر نزاری بدکان داخل شده بنا بامرمرحوم سردار ملی تفنگهارا برداشتیم آنها ازمشاهده این وضع ازدوکنار خارج و باگذاشتن کلبه مجاهد مجاهد رفتند ممکن است این کلمه آخری بنده برای بعضی از خوانندگان بعید بنظر برسد آری ما بودیم ازجان گذشتگان ما بودیم درمقابل توپ وتفنگ مستبدین سینه سپر کرده استقامت بخرج میدادیم ما بودیم که با آن عده کم در مقابل اوتجاح ومستبدین مبارزه نموده پرچم آزادی را بر افراشته و قانون اساسی را باخون خود نوشتیم حالا مرتجعین کرسی های ما را در پارلمان اشغال نموده و با نظر حقارت بما مینگرند بیست واند سال است که بنده و امثال بنده با دسیسه کاری های مرتجعین در فشار وازدست ندهید درمقابل هرپیش

مشترکین محترم
اگر روزنامه شما مرتب نرسید بتلفن ۷۶۶۰ اطلاع دهید .

www.iran-archive.com

در اطراف برنامه دولت

بقیه از صفحه دوم

مقرض تحریک کردند آنقدرهم گندم میخواستند برادر کشی را براه بیندازند وراه هم انداختند بنام مسلک بازی بجان یکدیگر افتادند مردم را بنام اختلاف مسلکهای مختلف با بنام مذهب های مختلف باینطرف وآنطرف بجان یکدیگر انداختند وبرادر کشی راه افتاد برای چه مردم را بجان یکدیگر انداختند برای خاطر اینکه ملت ایران را درمقابل دنیا ملت تلاقی نشان بدهند برای اینکه دولتش که لایق هست ومحتاج نشان دادن نیودمیل داشتند که ملتش راهم لایق نشان بدهند در دناوند بین مسلمان و کلیمی دعوا راه انداختند دعوات شما کوچکترین جلوگیری از این حال نتوانست بکند وحتی درواقع نیز مستقیما مسئول است برای آن خونهائی که در تبریز ریخته شده است میگفتن بود که دو تبریز با توقیف یکنفر یک فرد که کارگران را تحریک میکرد یکنفری که توقیفش باعث آرامش تبریز میشد وباتوقیف یکنفر تمام غائله را که میخواستند آنجا را بار بیاورند آرام کرد وساکت کرد عده اما مامورین شما او را توقیف نکردند او را پرو بال دادند که بجائی رسید که کارگران بیگناه را مسائل بیندند وشما دوستان گفتید واعتراف کردید که من از آنجا اطلاع دارم وآن وقایع شرم آوری که آن جانشان نفتاد به من خیالات میکنم زیر روی نمایند گان ملت میگویم بار آوردند.

امینی - خواهش میکنم آن یکنفر را اسم ببرید

دکتر کشاورز - آن یکنفر خلیل اقلاب بود . آنوقت در تبریز چند نفر کارگر کشته شده عده زخمی شدند

کامش - یکعده را بساطر نزه چشمشان را سوراخ کردند و در آوردند

دکتر کشاورز - یکعده که هنوز جان در بدن داشتند بردند و دفن کردند

در ملایر معلم مدرسه را بادست بند تبعید کردند

ملک مدنی - معلم نبود چاقو کش بود

دکتر کشاورز - آقای ملک مدنی من یکعده باشما مواجه شدم در موقع صحبت نتیجه‌اش معلوم شد (عده نمایندگان) همه تصدیق میکنند واجع بملایر صحبت میکنم - ملایر که ارث بنده و شما نیست من میگویم آقا گردید چرا وادارم میکنید بفصیل در صحبت کنم و بزرده اوروی حقایق بردارم

قاسلو - ملایر مستعمره آقای ملک مدنی است .

دکتر کشاورز - اما ازهمه مهمتر موضوع اصفهان است در وقتی که میدانستید یک دسته‌ای مرموزی که در تمام مملکت میخواهند اغتشاش تولید کنند در اصفهان مشغول تحریک هستند درک هجو وقتی برداشتید آقای اشارو ا بحکومت آنجا معین کردید این شخص سوابقش معلوم بود بنده تصور کردم که شما یک شخص لجوجی هستید وبنده این صفت را در شما میفهمم بهرحال جریان واقعه خیلی محکوم کرد اشارو را از اصفهان برداشتید اما آن نتایجی را که در یک جای دیگر نشان نمادید شه منز موزاهم شدید شما که اینقدر مدافع اهالی خودتان هستید وقتیکه بقول خودتان حس کردید مجلس شورای ملی و مطبوعات اختیارات نامحدود دکتر میلسپو است چرا آن لایحه را آوردید . اولا چرا بیاوردید صاف درمجلس مطرح کنید وآوردید درجلسه خصوصی روز اول سفت ایستادید آقایان هم یکعده موافقت کردند فردایش تاریخ که در آفتاب آب بشود آب شود و شدید واصلا موضوع از بین رفت حاجی حاجی میگه شما نرم شدید بعضای متعال قسم اگر رئیس الوزرائی بکفره علاقه بمحبت خودش داشت استعفا میداد شما تسلیم شدید معذرت میخواهم بزاو درآمدید . چه خوب بود شما میفرمودید که قوت اجتماعی درمقابل که جنابعالی دولت اراورا اداره میکردید چندبود وبکجا رسید چقدر بجایود اگرشما می گفتید که بمردم ایران چه سور تلقی داده شد دوانین بچنداه چقدر صحیح بود اگر می گفتید که بمردم ایران چقدر شکر داده شد چقدر قماش داده شد بنده خجالت میکشم درپیکی ازجلسات مجلس عرض کردم که چون ماه مبارک رمضان است ودر این ماه بخصوص بمناسبت اینکه مردم روزه هستند احتیاج دارند که یک خرده قندوشکر داشته باشند شما یک کاری بکنید که بانها قندوشکر دوانین ماه مبارک اقلا بیشتر داده شود شما هم کردید آقای وزیر دارائی‌تان کرد آنهاهم باخیلی طمطراق (ببخشید) گفتند ودو ماه بمردم تهران نه بمردم ایران شکروچای داده شدشما فکر نکردید که چهارده ملیون دیگر مردم ایران که‌در ولایات هستند و اغلبشان یعنی هشتاد درصدشان دوقرانه وقصبات زندگی میکنند آنهاهم جزو مردم ایران هستند (مهندس فریور مردم تهران هم نگرفته‌اند) بهمان اندازه هم شما بدولت رای اعتماد میدهید پسر حال شما باساتیدان دانشگاهتان مهندسین تهران که طبقه تحصیل کرده وروشن فکر این مملکت هستند بین دوست تا سیصد تومان حقوق میدهید هیچ فکر این را کرده‌اید که باین حقوقی که به آنها میدهید چطور می توانند زندگی کنند ! بعدا قسم استاد دانشگاهی را می‌شناسم که تمام تخت کفشش پاره شده است وسوراخ شده و این مرد پول ندارد و می تواند کفش خودرا درست کند استاد دانشگاه است درفرنگ مورد احترام بوده است و معلمین او بار احترام می گردند ومورد نظر همه معلمین وزراء است برای این که خوب تحصیل می کرد و این شخص کفش ندارد این آقا برای دولت شما خجلت آور است و بیاید پشت تریبون و بگوید که من فلان کار را برای ملت ایران کردم که‌ما خودمان راراضی نکنیم که مخالف انهاهم ومصنع باشیم ولی شما نمی توانید بگوئید که کاری برای ملت ایران کرده‌اید گردنده‌ها توقیف شدگان آزاد شدند گرسنهم هستند وشما حقوقشان را بپرداخت نمیدهید درصورتی که باید مطابق قانون حقوقشان را بدهید برای اینکه اینها بی تقصیر بودند اینها محکوم نشده‌اند واز کارشان اخراج بیرون شده‌اند من بچنداه قبل اینها را نمی دانستم ونشناخته بودم در موقعی که قند وشکر لیست عادی داشته درحدود ۳۰۰۰ تن چای درسال مصرف چای کشور بوده وشما در انبارها دوازده هزار تن چای موجود دارید توجه نفرمائید به مناسبت اینکه قند وشکر پیدا نمی شود وخیلی گران است مصرف چائی از پنج هزار تن باین آمده در صورتی که شما مصرف سه سال ایران را داوید و در انبارها نگاه میدارید وحال آنکه بنده تجاری را می‌شناسم که امین ودر تکار هستند و نمی خواهند از ملت ایران بدزدند و می گویند اگر این چائی هارا آزاد بگذارید قیمت چائی بکلی پائین می‌آید

بقیه‌دارد

بازرس در رادیو

نمایش که روز پنجشنبه در رادیوی تهران گذشته شد یکی از شاهکارهای بزرگ عالم تآتر محسوب میشود.

نویسنده روسی گوگول باتصویر روحیه واخلاق وکردار رژیمای دوائر شهرستانهای یک مجسمه لایزال تاریخی ایجاد کرده است.

از نشاط، اخلاص، سوء استفاده، آتریک وبدبینی، حسادت، ترسو گری، طمع‌ورزی حماقت کارمند ن بلندپایه شهر ستانها را گوگول باقلم توانا ومحکم خودمثل اینکه درسنگ خارا کنده وبرای قرنها باقی گذاشته است

شما رئیس معروف، فرماندار، رئیس پست وتلگراف وتمام روسائی‌را که‌او در نظر شما نمایش می‌دهد درمیان کار کنان دوائر مربوطه و بدون مطلبی می توانید نشان بدهید.

حتی اخلاق خانمهای آنهاهم، میان بانوان روسای دوائر شهرستانها بوفور پیدا میشود.

این نمایش را باید درسن تآیر تماشا کرد، در رادیو باشکال می‌شود مقصود نویسنده بیشتر جلوه کرد.

بعضی از بازیگران رادیو خیلی‌خوب ازعهده برآمده‌اند ولی‌خود این‌هنرآهنگ وطرز بیان مخصوص بود.

بنظر ما گوگول اگر می دانست در رادیو تهران پیس بازرس را باین طرز مسخره آمیز بوجود آورد آنرا نمی‌نوشت رادیو تهران باید در استفاده از این قبیل آثار گرانبها بسیار دقیق باشد

نقش فرماندار، رسیاو، داری کردند نقش‌های بوم رقم وهیجان‌های بوم طبیعی بازرس هم کاوه اخراب بکرد

رادیو، بازرس را آقای (هوسکار) بیست دقیقه‌ها ما آگوسرهای بخته‌روز بیه آماده کرد.

بهرحال بازرس را در رادیو بصحنه‌ای بوجود کرد که بنده درآورده خورد شود بکدن دارد . این اسباب تاسف است

مهمترین خبرهای جهان

بسته شدن مرز سوئد وفنلاند

استکهلم - بقرار اطلاع خبرگزاری انگلیس امروز عصر رسما اعلام شد که آلمان‌ها قسمت شمالی مرزسوئد وفنلاند را بسته بیرهای آلمان به پاسداران مرزی سوئدمیگویند که‌اورورودمهاجرین فنلاندی بخاک سوئد ممانعت‌خواهند کرد و اجازه نخواهند داد که این فنلاندیها وسوئدیها درمرز تماس حاصل‌شوددرپی این اقدام آلمانها هلسینکی خبرداد که اعلامیه دولت فنلاندما می‌گفت که آلمان ها بجزبرهمو کلاند حمله نمودند اعلامیه اضافه کرد که دولت فنلاند این اقدام را خصمانه تلقی نموده وخودرابا آلمان درحال جنگ‌میداند

نیروهای متفقین در شش میلی داخل خاک آلمان مشغول عملیات میباشند

ستاد ارتش متفقین - بقراری که فرستاد مخصوص خبرگزاری انگلیس بامداد روز آدینه از مرکز ستاد ارتش متفقین گزارش داده نیروهای ارتش‌اول آمریکا شروع بحمله کلی بر آلمان نموده واز دونقطه از مرز آلمان گذشته اند یکی ازجنوب اکس‌لاشاپل ودیگری‌در شمال باخنری بروم.

دربدنا کس لاشاپل ولو کزامبورک این نیروها یازده میل در داخل خاک آلمان پیشرفته‌اند.

چاپخانه داوه

پیام نو

ناشر افکار انجمن روابط فرهنگی ایران بااتحاد جماهیرشوروی ازحیث چاپ ومندرجات و ارزانی نظیر ندارد

مندرجات‌آن بقلم زبده نویسندگان معروف طهرانست بهای سالیانه ۲۴۰ ریال - هرنسخه ۲۰ ریال

جابکاه فروش . خیابان سعدی کتابفروشی دانش و کتابفروشی دادبان خیابان فردوسی کتابخانه آکادمیا روبروی سفارت کبرای ترکیه ۲-۳

آگهی

کتابهای مهم زیر چاپ شده

برای فروش ساخته است

ازکتابخانه آکادمیا خیابان فردوسی - برابر سفارت‌ترکیه خریداری کنید .

رفیق استالین

سخنرانی شرح زندگانی جالب توجه مارشال کبیرشوروی ومبارزهای سیاسی پنجاه ساله این مرد دنیای تاریخ و تحولات حیرت انگیزروسیه . (بها ۲۵ ریال)

فرهنگ سیاسی کوچک

دارای مقداری ازلغات سیاسی که برای جوانان امروز کمال ضرورت را دارد (بها ۲۰ ریال)

دولت شوروی - دولت طرزنوین

که سازمان - آرمانها وسیاست داخلی و خارجی اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی را بصورتی شرح میکند.

(بها ۱۰ ریال)

کتابفروشها و کیوسکهای شهری میتوانند مراجعه کرده هر مقدار بخواهند خریداری کنند . برای آنها تخفیف داده میشود

فروشندگان استانها و پرستانها نیز هر مقدار بخواهند صدی پانزده تخفیف منظور کرده وجه را یا بوسیله بانک ارسال دارند تا فرستاده شود . مخارج پستی تمام عهده کتابخانه آکادمیا است .

ش ۳۴۶ ۳-۳

آگهی

کتاب دیکتاتوری ومقوط سیدضیاءالدین طباطبائی تالیف امیل لوسوئور فرانسوی استاد دانشکده حقوق که در ایام اودنا در تهران اقامت داشته اداره روزنامه آژانس کیوسکهای شهری و کتابخانه آکادمی و کتابخانه کشائی خیابان پهلوی مقابل کافه شهرداری و کتابخانه حزب توده ایران بقیمت ۵ ریال بفروش میرسد

۵-۲

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۱۳۲۳/۴/۱ - آقای غلامرضا سمیعلی بشناسنامه شماره ۱۷۲۲۸ باستناد یکبرگ گواهی نامه و نوشت شناسنامه داد خواست بشماره ۲۲۲۴-۷۶۸ داده باینکه آقای کریم تفرشی دارای شناسنامه شماره ۱۹۷۸ در تاریخ ۳۲۰۹/۹/۳ در تهران جابکاه همیشگی‌خود فوت وحین الفوت ورثه متوفی منحصر بیک پسر بنام آقای غلامرضا متقاضی و بکمیال دائمی بنام بانو رقیه بشناسنامه شماره ۱۷۲۲۷ غیر ازدو نفر نامبرده ورثه دیگری‌ندارد پس‌از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار آگهی می‌شود و با گذشتن مدت سه ماه ازتاریخ نشراولین آگهی وبدون معترض بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد نیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی داود دوظرف مدت مزبور ابراز والا هروصیت نامه غیراز رسمی و سری باشد از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

نوبت دوم ۲۶/۶/۱۳

دادوس شعبه ٤ بخش تهران احمد زرین دل

اداره روزنامه اژیر

به خیابان لاله زار باساز بهار جنب روزنامه داریا منتقل شد

موژیک ها

بزودی از طبع خارج میشود

پاورقی

بواسطه زیادی اخبار چاپ نشد

www.iran-archive.com

آژیر

شهردار تهران

« از صفحه اول

ن کارها باید هرچه زودتر متروك شود بینید ارتجاع چه دامی دراین کشور شرده است ، و چطور بکمه شرور

فساد اخلاق از حد گذشته

از مشاهده این قبیل کارها انسان ماچه‌ور بدین واز دست مه‌ب کس عاصی شود .

ا ن چه اخلاقی است که درعرض بیست ال در این مملکت خراب‌شده پرورش فته جنبه‌عمومی پیدا کرده است!!

عناصر نا پاکو را پیش کشیده‌مانند بوس بالای سر مردم ایران قرار — ده اند .

این چه اخلاق وچه تربیتی است؟ هرکس زود از خواب بر میخیزد یخواهد دیکتاتور باشد بزندیکو بد چاپید وبخورد وکسی‌نتواند بگوید بالای شمت ابروانت

همه مستبدهمه زورگو ، همه‌مظلوم کش ، همه‌متجاوز. بالاخره تاکی این خلاق کثیف ادامه خواهد داشت — اکی توده بدبخت باید این چیز ها را ببیند وصدای خود را نتواند در — لود ؟

چرا ؟ چراوباچه‌حق ابتهاج می‌تواند

ملادستان چراساکت‌نشسته؟

کارهائی که ابتهاج در شهر داری میکند یك جرم عادی نیست جنبه‌عمومی دارد .

البته باوضع‌امروزه رفته گر بیچاره می تواند صدای خود را بگوش داد . ستان‌ها برساند ولی داد ستان باید جنبه عمومی جرم را تعقیب بکند قانون اساسی اجتماعات و عقیده و مسلك و جمعیت هارا آزاد کرده است بـدون این رژیم‌مشروطه معنی نداود .داد ستان‌ها که حافظ حقوق اجتماع هستند می توانند این خبر های مدهش را

بشوند وساکت باشند و این سکوت خود جرم است .سهل انگاری است بی‌کفایتی است .

اگر در همان پیدایش وضا خان دادگستری درست و حسابی داشتیم کار مملکت باین روز کار سیاه نمیکشید . اقلا امروز که آزادی صوری پیدا شده است عمال قانون نباید ازاجرای وظیفه خود غفلت بکنند واز تعقیب پامال - کنندگان قانون اساسی صرف نظـر نمایند .

چند کلمه حرف حسابی

آقای ابتهاج وظیفه شماچیست؟

آقای شهردار به‌بخشید مگر شما غیر از بهم زدن جمعیت سپورها وظیفه دیگر ندارید ؟

این چه وسواسی است شماراگرفته وخیال میکنید اگر حرف خودرا بـه کسی نشنایدوزوتان را درسرکو- گران بیچاره آزمایش نکنید از عهده اداره شهرداری بر نخواهید آمد ؟

این بیچارگی است . این ندانستن اهمیت وظیفه بزرگی است که بیهوده شما محول کرده اند . وقت خود را بیهوده صرف نکنید .

وضع شهر رقت آور است درمحل های جنوب مردم‌آب آشامیدنی‌ندارند خیابان‌های بالامخصوصا ازآب کرج هیچگونه موافقیت بعمل نمی آید . اگر چند دقیقه وقت‌خودرا برای‌بازدید آب مزبورمصرف کنید خواهیدد یدکه درانر عدم مراقبت چه کثافت‌هائی درآن ریخته می‌شود . کاری ندارد نزدیك ظهر اتومبیل خود را سوار شوید راه خیابان پهلوی بالای کافه شهرداری را آهسته‌طی کنید خواهید دید زنهاومردان عوام چه لباسهای کثیف وچه فرشهای نکبت بار چه‌آل واشغالی را در توی آب شسته بعورد مردم میدهند شما که

آقای شهردار بخشید مگر شما غیر از بهم زدن جمعیت سپورها وظیفه دیگر ندارید ؟

این چه وسواسی است شماراگرفته وخیال میکنید اگر حرف خودرا بـه کسی نشنایدوزوتان را درسرکو- گران بیچاره آزمایش نکنید از عهده اداره شهرداری بر نخواهید آمد ؟

این بیچارگی است . این ندانستن اهمیت وظیفه بزرگی است که بیهوده شما محول کرده اند . وقت خود را بیهوده صرف نکنید .

وضع شهر رقت آور است درمحل های جنوب مردم‌آب آشامیدنی‌ندارند خیابان‌های بالامخصوصا ازآب کرج هیچگونه موافقیت بعمل نمی آید . اگر چند دقیقه وقت‌خودرا برای‌بازدید آب مزبورمصرف کنید خواهیدد یدکه درانر عدم مراقبت چه کثافت‌هائی درآن ریخته می‌شود . کاری ندارد نزدیك ظهر اتومبیل خود را سوار شوید راه خیابان پهلوی بالای کافه شهرداری را آهسته‌طی کنید خواهید دید زنهاومردان عوام چه لباسهای کثیف وچه فرشهای نکبت بار چه‌آل واشغالی را در توی آب شسته بعورد مردم میدهند شما که

الحمدالله دولت خانه‌تان سرآب است چطورایـن کثافت کاری‌هارا تابحال ندیده‌اید شما اگر میخواستید محبوبیتی پیدا بکنید این کار دشواری نبود هوش اینکه بتغییروتبدیل بعمل‌های پائین شهـر میرفتید رفته گرانی که امروز ازروی لجاجت برعلیه خودشورانده اید بـا تشویق وقدردانی وادار میکردید کوچه وخیابان ها را پاك میکردند گند و کثافت راکه هزار گونه امراض تولید میکند از جلوی دست و پای مردم‌جمع آوری نموده در خارج شهر آتش بزنند .

برای نمونه شماراباغ میرزاصـ- فائی میکنیم برو ید آنجارا ببینیداین مرکز شهر است اگر دود زبور کثیفانه نمیخواهیم حرف بزنیم .

گدا های خیابان هارا مگر نمی- بینید ؟ تازه کـه‌واز امریکا تشریف نیاورده اید ؟ جمع آوری وتنگه‌بدای این‌ها وظیفه شمااست‌چرا اقدام نمیکنید؟

پشت دیوارهای خیابانهای‌مرکزی را نگاه کنید عیب ندارد ازگنه وتعفن یکدقیقه نترسید دماغتان را بگیریدشهـر مستراب عمومی شده‌است .

تفسیر اخبار داخله

تلگراف وپاسخ

در هفته گذشته آقای‌سعدبواسطه مسیو ماسیکلی کمیسر امور خارجه حکومت‌فرانسه‌را بمناسبت آزادی‌پاریس تبریك گفته ایشان هم با به‌خودایشان وبملت ایران بواسطه تلگراف اظهار تشکر کرده است .

اداره‌کار

از قرار معلوم دروزارت پیشه‌وهنر اداره مخصوصی بنام اداره‌کارتاسیس شده است . ماخوذ از برنامه وظیفه این اداره جدید اطلاع نداریم .البته چنین اداره مورد نیاز بود .

برای اینکه اغلب اتفاق میافتد کارگران و اتحادیه های آنها بوزارت خانه مزبورمراجعه میکردند آنجادقیقا مسئولیتدارنی نبود باآنها جواب بدهد خود وزیر هم معمولا گرفتار کار های دیگر وزارتخانه بود . اگر اداره کار علاوه به رسیدگی امورکارگران برای رفع بیکاری و ایجاد کـار هـم اقـدام بکند بـك اداره مفیدی خواهد بود .

اگر نباشد بدینوسیله برای چند نفر نان‌دار وشغل بترانشد‌آن مطلب جداگانه‌است .

باید دید‌آقای وزیر جدید چه‌جور ازآب درخواهند آمد دراین‌قبیل‌کارها است که راه اساسی اشخاص‌جوان تعیین می شود .

اختلاس وسوء استفاده

هرروزدرروزنامه‌ها راجع‌باختلاس و سوء استفاده های شگفت کارمندان بلند پایه دولتی ارقام آسترو نومیك منتشر میشود .

تعجب دراین است که‌این‌نوشته‌هارا کسی ترتیب اثر نمیدهد .

آیاابتهاجی‌درنوبه خودبرای‌دزدیهای دیگری نشو ن هم هست یا وجود این بیقیده ما باید نوشت . ماسعی خواهیم کرد بهم از این خلاصه‌آنها را از هر روزنامه اینکه دستمان آمد یا ذکر منبع اصلی بنظر خوانندگان آژیر برسانیم.

روزنامه آهن مینویسد

دکتر هرمزی چهل تن نخ را عوض تقسیم ماچین‌مصرف کنندگان بامعتکرین بمیان گذاشته است .

ماز همان دکتر برخلاف مقررات جوازصدور ده‌تن لباس‌سنعمل‌آمریکائی باسم لاجوردی قریب یکصد تن لوله آهن آب بنام دکتر اسفندیار بیگانگی صادر کرده است .

د.ث مینویسد

۱۰۸ برك کوپن سفید ۱۳ برك شناسنامه وغیره نزد محسن‌دوچرخه‌ساز که‌برادرش حسین‌کارمند جیره‌بندی‌است کشف شده‌است‌این کوپنهارا‌محسن‌بفروش میرسانیده است .

مجازات بدنی را برای‌ملت‌ننك وبدنامی میدانیم . باوجود این معتقدیم که‌برای اصلاح وآبادی شهرتهران‌بایدشهردواران وظیفه نا شناس تهران را بجای گران فروشان‌ومامورین‌جزء به‌پای‌اسب‌میخـه قاعد عظیم‌الشان بسته شلاق زنند تااین کاررا نکنند تهران موجب رسوائـی ایرانیان خواهد بود .

تمام کثافتکاریها تمام زورگوئی‌ها تمام گرانفروشیهای کسبه وبازاری‌واغذیه فروشان و قال وعطار وسبزی‌فروش‌زیر سر اینها است .

ماهی ازسر گنده گردنی زدم

آقای ابتهاج اگـر مـردید ان

گوی این میدان بمرمائید گفته های‌ما را تکذیب بکنید .

اگراین شهامت‌را ندارید مانند ملا

چگونه باید سخنرانی کرد

بقیه از صفحه اول

بست قانون خدمه جنگی است و من طرفه‌که این قانون را انشا بالدآکرده است به‌آن فرقه که میان بست اما فعال است و نمیدانم درحکومت است یا در مجلس است اما میدانم همه جا هست و کوشش نیز است وآواز مرا میشنود به آن فرقه کاتولیك خطاب میکنم و می گویم این قانون قانون شماست و من بشما اطمینان ندارم

تعلیم کردن ساختمان کردن است و من از آنچه شما میسازید بیم دارم . تربیت جوانان وروح کودکان وپرورش عقول ساده‌که تازه بمرحله‌حیات میآیند یعنی روح طبقه جوان یعنی‌آینده فرانسه را نمی‌خواهم بشما سپرده شود زیرا ما باهاات میسپاریم اماشما بملکیت‌میگیرید ومن میخواهم اخلاف ما پادکارخود ما باشند ونمی‌خواهم دست شما برسرشان رودم شما همه‌مشان باشد من نمی خواهم آنچه بدوران ما ساخته اند شما خراب کنید . پس از آن شرافت این تنك ما نمی خواهم . این قانون عقاب مرتجعه دارد چیزی میگوید اما کاردیگرمیکند آزادگی میگوید اما بندگی میدهد بخشش میگوید اما اخاذی میخواهد من این‌قانون را نمیخواهم واین‌رسم دیرین شماست که زنجیر بگردن می گذارید و میگوئید آزادی است عذاب میکنید و میگوئید عفو عمومی‌است

ازآئین‌سخنوری جلد دوم‌صفحه ۳۲۰

آژیر — ما دلیان سخنرانست اقلا بعد ها در مجلس ملی یك‌چنین‌ناطق بی آلایش ودلسوزی داشتیم

برای دوبرابر همان نظامیه‌جلوی بهارستان سر خیابان صف پلیسها را دیدن کنید .

شما خیال میکنید کثافت‌کاریهائی که در بهترین نقاط شهر بعمل در آید بشما مربوط نیست ؟

تصور میکنید جمع‌آوری زنان کثیف وهرزه وهرجائی که توی خیابان ریخته امراض‌کثیف و زمین پخش‌میکنند تنها وظیفه حکومت نظامی است ؟

آیا میدانید که اغلب حمامهای‌تهران ازکسی آب جاهائی پیداکرده اند آیا تصور میکنید که شهر تهران برخشنوی خانه بیشتر از سینما احتیاج‌دارد ؟

آیا میدانید که اغلب خیابان های مرکز شهر شبها چراغ برق ندارد‌تنوی وستورانها و بار هـا از شدت روشنی چشمان انسان‌خیره میشود ؟

آقای ابتهاج مغرور نشوید همان سپورهائی که دارید برحساب نانتان را میبرید‌نانشان شاید ازشما بیشتر باشد .

شمااز وظیفه‌خود کوچکترین اطلاعی ندارید . و نمیدانید مثلا قصابها میوه فروشها ، وستورانها وقهوه‌خانه‌ها چه بلائی بمردم میآورند ؟

شما شهردار هستید . چطور نمی دانید باوجود پائین‌آمدن اجناس خرده فروشها حاضر نیستند نرخهای بیرحمانه دوره قحطی را پائین بیاورند .

چاره چیست؟

ما جدا مخالف مجازات نئی هستیم با قانون صدر الاشراف از همـه بیشتر مخالفت کردیم ودرعمل هـم ثابت شد که این قبیل قوانین مرده و دوافیکند. اگرآغاز گرانی خیلی نظـر از محتکـرین گردن‌کلفت وا در بیدانهای عمومی دار میزدند کاو باینها نمیکشید و در عرض و سه سال چندین هزارنفر از گرسنگی و نداری وعدم بهداشت‌تلف میشد.حالا هم همین عقیده را داریم . شلاق زدن و

تلگراف دیگری از طرف مارشال تیتو به‌کمیته نجات ملی لهستان بعضون ذیل‌وسیده است که بسیار جالب توجه میباشد .مارشال تیتو بکی‌ازدلاورترین سران یك ملت قهرمان اسلاو است و عقیده‌اوراجع به‌کمیته نجات‌ملی‌لهستان بسیار ذیقیمت میباشد . باری درتلگراف مزبور چنین گفته میشود :

« بنام‌کمیته نجات ملی‌برگوسلاوی ونهضت‌آزادی طلبانه بشماوکمیته نجات ملی که نماینده حقیقی لهستان دموکرات می باشید سلام برادرانه می فرستم .

« از اینکه ارتش دلاور سرخ به کمك سربازان دلیر و بی‌باك شما میهن شمارا از چنك دستجات آلمانی نجات داده و بین ملت لهستان واتحاد جماهیر شوروی باینطریق شالوده یك دوستی صادقانه رامیریزند یك حسن بشاشت و نشاطی درخود حس میکنیم

تیتوی شما »

اطلاعات دیگری نیز راجع به‌شرح زندگانی ژنرال میخائیل رولاد‌بیرسکی فرمانده ارتش لهستان (وایته به‌کمیته نجات ملی) وآقای ادوارد بولـلاو - اوزوبکا‌مورادسکی وزیرخارجه‌آن‌کمیته از طرف خبرگزاری کمیته نجات ملی لهستان بما رسیده است که بسیار شایان وقت می باشد و در شماره های آینده باستحضار خوانندگان خواهیم رسانید .

در باره اقدامات کمیته نجات ملی لهستان

بقیه‌ازصفحه اول

آمیز بود که فرصت تخریب‌مرا ازحیاتی شهرهای لهستانی را نکردند وحتی‌عدهٔ زیادی ازروسای‌آلمانی ادارات ودوایر شهر اوبایس وسایرنقاط فرصت‌فرادیافته رگرفتار شدند و در نتیجه گاز و آب والکتریسته دوشهر بهمه میرسد و هیچ وقفه ای درتوزیع آن پیدانشده. احتکار وجود ندارد و تجارت هـما پس از رفتن آلمانها قدری تنزل کرده و بهر یك از افراد اهالی یك کیلو[قند داده شده و قریب دوازده هزار نفر که از طرف آلمانها تبعید شده بودند به‌شهر اولبلین بازگشته‌اند وتمام‌کارخانه‌هاجدداًمشغول کارشده اند .

شهردار مزبور چنین گفت : « من درزندگی خود خیلی چیز ها دیدم ولی هرگز چنین شور و شعلی راکه امروز در میان مردم برای کار و تشکیلات و بهبودی وضع زندگی مشاهـده می‌کنم ندیدم . من اطمینان دارم که با اینوضع واین کوششی که میشود مایك لهستان‌قوی و دموکرات ایجاد خواهیم کرد و بـك آینده ترقی و تعالی که در تاریخ کشور مانظیر نداشت در مقابل ملت ماگشوده شده است . »

بین وزیر مختار چکوسلواکی‌در مسکو و رئیس کمیته نجات ملی لهستان نیز بمناسبت ورود ارتش لهستان بخاك آن‌کشور تلگراف‌تاثی مبنی بر تبریك و ابراز صمیمیت وامیدواری بآینده اخوت وهمکاری دوملت لهستان وچکوسلواکی مبادله شده است .

تلگراف دیگری از طرف مارشال تیتو به‌کمیته نجات ملی لهستان بعضون ذیل‌وسیده است که بسیار جالب توجه میباشد .مارشال تیتو یکی‌ازدلاورترین سران یك ملت قهرمان اسلاو است و عقیده‌اوراجع به‌کمیته نجات‌ملی‌لهستان بسیار ذیقیمت میباشد . باری درتلگراف مزبور چنین گفته میشود :

« بنام‌کمیته نجات ملی‌برگوسلاوی ونهضت‌آزادی طلبانه بشماوکمیته نجات ملی که نماینده حقیقی لهستان دموکرات می باشید سلام برادرانه می فرستم .

« از اینکه ارتش دلاور سرخ به کمك سربازان دلیر و بی‌باك شما میهن شمارا از چنك دستجات آلمانی نجات داده و بین ملت لهستان واتحاد جماهیر شوروی باینطریق شالوده یك دوستی صادقانه رامیریزند یك حسن بشاشت و نشاطی درخود حس میکنیم

تیتوی شما »

اطلاعات دیگری نیز راجع به‌شرح زندگانی ژنرال میخائیل رولاد‌بیرسکی فرمانده ارتش لهستان (وایته به‌کمیته نجات ملی) وآقای ادوارد بولـلاو - اوزوبکا‌مورادسکی وزیرخارجه‌آن‌کمیته از طرف خبرگزاری کمیته نجات ملی لهستان بما رسیده است که بسیار شایان وقت می باشد و در شماره های آینده باستحضار خوانندگان خواهیم رسانید .

نصرالدین‌زوجوخودراسر گرم بخانه‌امتحان انتخابات‌وکوتران‌بی‌آزارحرم‌شهرداری‌را شکار نکنید .

رفته گران بشرنه‌حق کارحق‌زندگی حق اجتماع وحق اعتصاب را قانـون اساسی بآنها داده است .شما کوچکتر ازآن هستید بتوانید این حق را پایمال بکنید .

www.iran-archive.com